



ثبات سیاسی در نظام جمهوری اسلامی

(بررسی و تحلیل ادوار ریاست جمهوری دولت سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد)

تالیف

دکتر زهرا عبیاتی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۹

عنوان و نام پدیدآور	: عیاتی، زهرا، ۱۳۴۰ - ثبات سیاسی در نظام جمهوری اسلامی: بررسی و تحلیل ادوار ریاست جمهوری دولت سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد/تألیف زهرا عیاتی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹۱۰۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۷.
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: -- Politics and government -- Iran -- ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳
موضوع	: خاتمی، محمد، ۱۳۲۲ - -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع	: Khatami, Mohammad -- Political and social views
موضوع	: احمدی نژاد، محمود، ۱۳۳۵ - -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع	: Ahmadienezhad, Mahmoud -- Political and social views
موضوع	: ثبات سیاسی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: Political stability -- Iran -- History -- ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳
موضوع	: امنیت ملی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: Iran -- History -- National security -- ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳
موضوع	: انتخابات -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
موضوع	: Iran -- History -- Elections -- ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳
رده بندی کنگره	: ۱۷۱۶DSR
رده بندی دیویی	: ۰۸۴۴/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۹۵۲۹۹

انتشارات قانون یار

ثبات سیاسی در نظام جمهوری اسلامی

(بررسی و تحلیل ادوار ریاست جمهوری دولت سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد)

تألیف: دکتر زهرا عیاتی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۱۰۶-۸

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول.....	۱۱
کلیات	۱۱
بخش اول: تحلیل موضوعی بی ثباتی سیاسی.....	۱۳
بخش دوم: تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع.....	۱۶
فصل دوم.....	۲۱
بررسی و شناخت مفهوم منازعه و بی ثباتی سیاسی	۲۱
بخش اول: تعریف منازعه	۲۱
بخش دوم: تحلیل و بررسی بی ثباتی سیاسی	۲۷
فصل سوم.....	۳۱
تحلیل تفصیلی ثبات سیاسی	۳۱
بخش اول: مکتب تداوم و نقد این مکتب	۳۲
بخش دوم: مکتب فراوانی(تحلیل عاملی) و نقد این مکتب	۳۵
بخش سوم: مکتب روزنامه نگارانه و نقد این مکتب	۳۷
فصل چهارم.....	۴۱
تحلیلی بر تاثیر منازعات سیاسی بر ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی	۴۱
بند اول: تاریخچه اجمالی منازعات سیاسی قبل از روی کار آمدن دولت خاتمی.....	۴۴
بند دوم: مهمترین مسئله اجتماعی دولت سید محمد خاتمی(تعیین ماهیت منازعات).....	۴۵
بند سوم: مهمترین مسئله اجتماعی دولت محمود احمدی نژاد(تعیین ماهیت منازعات).....	۴۸
بند چهارم: وضعیت منازعات و ثبات سیاسی از انقلاب تا روی کار آمدن دولت هفتم.....	۴۹



فصل پنجم ۶۵

دولت اصلاحات، وقایع مهم دوران سید محمد خاتمی ۶۵

بخش دوم: توسعه سیاسی، منازعات، ثبات سیاسی ۷۸

بخش سوم: از تشکیل دولت خاتمی تا شکل گیری مجلس ششم شورای اسلامی ۸۳

فصل ششم ۱۰۵

منازعات سیاسی قبل از روی کار آمدن دولت نهم ۱۰۵

بخش اول: عدالت محوری، منازعه سیاسی، ثبات سیاسی ۱۱۰

بند اول: بی ثباتی مدیریتی ۱۱۱

بند دوم: تغییرات کابینه ۱۱۵

بخش دوم: نزاع بر سر تایید یا عدم تایید ۱۱۸

بند اول: چالش دولت و مجلس ۱۱۹

بند دوم: مجلس هشتم و دولت ۱۲۳

بخش سوم: مجلس نهم و دولت ۱۲۵

بند اول: ورود رهبری ۱۲۷

بند دوم: قوه قضاییه و دولت ۱۲۹

نتیجه گیری ۱۳۳

منابع و مآخذ ۱۳۹

پیشگفتار

توسعه سیاسی و امنیت ملی دو متغیر کلیدی این اثر علمی را در بر می گیرند در متغیر مستقل توسعه سیاسی بعنوان یک اصل مهم در جامعه شناختی سیاسی دول تلفی گردیده بطوری که کم و کیف آن تعیین کننده نوع حکومت و ساختار تصمیم گیری در آن و چگونگی تعامل مردم با حکومت و بالعکس محسوب می شود و اساس دموکراسیهای معاصر را در بر می گیرد. گرچه ابعاد توسعه سیاسی متعدد و متنوع می باشد و گستردگی آن مانع از توجه به تمام ابعاد آن در یک پژوهش خاص می گردد به همین سبب در این اثر علمی نیز شاخصه های چون مشارکت و رقابت سیاسی، احزاب سیاسی و مطبوعات مورد بررسی قرار می گیرد و از سوی دیگر امنیت ملی بعنوان متغیر وابسته از موضوعات کلان روابط بین المللی به شعار می رود به طوری که حیات با اضمحلال حکومتها تا حد بسیار زیادی در قالب تهدید یا تأمین امنیت ملی مورد بررسی قرار می گیرد اگر چه این مفهوم از ابهام و پیچیدگی خاص برخوردار می باشد و نظامهای سیاسی مختلف بر اساس نگرش کلان خود ابعاد متفاوت، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و یا سیاسی را تهدید یا تضمین کننده امنیت ملی می دانند و مقتضیات زمان و تحولات در عرصه سیاست بین الملل نقش اساسی در تعقیب این نگرشها داشته است به گونه ای که اگر در مقطعی ترس از حمله نظامی و قدرت تهاجمی دولتها از منظر تجهیزات و جنگ افزارهای نظامی اساسی تهدید ملی مدنظر سایر دولتها را تشکیل می داد امروزه این مسئله تعدیل شده و ابعاد دیگر امنیت ملی اهمیت بیشتری یافته اند و در واقع از جنبه سخت افزاری به سمت عوامل نرم افزاری جهت پیدا کرده است و مضافا علاوه بر عوامل فرامرزی صرف، بسیاری از مسائل داخلی نیز جنبه فراملی یافته است و به تبع امنیت



ملی را متأثر ساخته است. زیرا که مرزهای ملی تا حدود بسیار زیادی نفوذپذیر گردیده و بسیاری از مطالبات داخلی جنبه بین المللی یافته است و به صورت قواعد و ارزشهای فراملی درآمده است و به نسبت پذیرش یا عدم پذیرش نظامهای سیاسی با این قواعد بر امنیت ملی واحدهای سیاسی تأثیر گذاشته است که درخواست مردم جهت برخورداری از حقوق قانونی و مدنی، آزادیهای اساسی، حق انتخاب کردن و... در بحث توسعه سیاسی مدنظر مولف می باشد و این کتاب درصدد موشکافی این مسئله است که توسعه سیاسی با شاخصه های مطرح شده و نقش روزافزون اهمیت این شاخصه ها در جهان امروزه که حکومتها دموکراسی را یک ارزش بالا برای خود مدنظر دارند و مردم نیز نسبت به حقوق خویش بسیار آگاهتر شده اند و خواهان مطالبه آنها می باشد چگونه بر امنیت ملی تأثیر می گذارد و این موضوع در خصوص جمهوری اسلامی ایران تا چه حدودی مصداق پیدا می کند. ثبات اصل نخستین پیشرفت و تکامل هر جامعه ای می باشد. کشورهای درگیر جنگ و بحران های اقتصادی کشورهایی نیستند که بتوانند با فراغ بال برای آینده خود استراتژی تعیین کنند. کشورهایی که در آن نخبگان بر سر حاکمیت با یکدیگر در نزاع دائم به سر می برند از شانس بسیار کمی برای پیشبرد توسعه برخوردارند. همه اینها نشان از اهمیت عنصری دارد که وجود آن می تواند بنیان پیشرفت یک کشور را تضمین کند و آن عنصر ثبات است. از اول انقلاب تاکنون همواره انواع بی ثباتی ها در کشور وجود داشته که انرژی و منابع کشور را به خود معطوف کرده است. بی ثباتی های سیاسی شدید اوایل انقلاب در نتیجه درگیری بین نیروهای سیاسی گوناگون و الزامات برپایی نظام سیاسی جدید و ساختن نهادهای آن و اضافه شدن جنگ تحمیلی هشت ساله به این بی ثباتی ها نمونه های بارزی از این مشکل است. از طرف دیگر



نبود اجماع بین نخبگان و گروههای سیاسی در درون حاکمیت باعث شده توان و تمرکز دولت تا حد قابل توجهی به این منازعات معطوف شود. افزون بر این مسائل ، در درون کشورهمواره در سطح جامعه بی ثباتی های مختلفی وجود داشته و منازعات شدید بین نخبگان و گروههای سیاسی و عدم تقید به قوانین و نهادهای مبتنی بر قانون اساسی به بی ثباتی های زیادی انجامیده است که مهمترین و تاسف برانگیز ترین آن، رخدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ می باشد. به طور کلی دو دیدگاه مهم و بنیادی در مورد ثبات سیاسی وجود دارد. ۱. دیدگاهی که معتقد است می توان با امنیتی کردن فضای جامعه و اقتدارگرایی از بالای سرجامعه، ثبات را فراهم کرد حتی اگر به قیمت کاهش مشارکت مردم تمام شود. اصلاً مشارکت گسترده توده در امور سیاسی یکی از عوامل بی ثباتی سیاسی است. ۲. در مقابل دیدگاه اول ، دیدگاهی دیگر معتقد است که شاید بتوان با سرکوب و امنیتی کردن فضا، ثبات اجتماعی را فراهم آورد ولی ثبات هدفی فی نفسه نیست بلکه مقدمه رشد و توسعه یک کشور است و ثبات اجتماعی سیاسی که از انسداد سیاسی فراهم شده باشد حاوی ارزش ماهوی نیست. بحران مشارکت و متعاقب آن بحران مشروعیت و در نتیجه بی ثباتی سیاسی از نتایج این نوع ثبات است. از طرفی اجماع بین نخبگان که فقدان آن یکی از عوامل اصلی بروز بی ثباتی سیاسی است، چیزی نیست که بتوان با اقتدارگرایی و بستن فضای سیاسی آن را به دست آورد. این دیدگاه معتقد است ثبات سیاسی تنها هنگامی حاکم می شود که سطح قابل توجهی از توسعه سیاسی که مستلزم باز کردن فضای سیاسی و مشارکت مردم و گروهها است به وجود بیاید. اگر گروهها و احزاب بتوانند از مجاری قانونی به مطالبات خود دست یابند دیگر دلیلی وجود ندارد که متوسل به خشونت سیاسی شوند. قانون گرایی و پذیرش قواعد



بازی یکی از محوری ترین اصول این دیدگاه است. در مجموع همین دو نگرش بنیادی به ثبات سیاسی موجب به وجود آمدن گفتمان های مختلفی در جمهوری اسلامی شد.

فصل اول

کلیات

رهبران و مسئولان سیاسی در همه ی کشورها گرایش دارند نظام سیاسی شان را در گذر زمان جاودانه سازند. نظام سیاسی و حکومتی زمانی می تواند پایدار باشد که با مخالفت های گسترده، شورش ها و بحرانهای سخت و خشونت بار روبه رو نباشد؛ از این رو ثبات یا پایداری همواره یکی از اهداف مهم حاکمان سیاسی بوده و هست. اندیشمندان سیاسی نیز از ابتدا تا کنون، نخستین هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را نظم و ثبات و به ویژه زاید و غیر ضروری جلوه دادن ارتکاب خشونت در رویارویی با اقتدار حکومت ها تلقی نموده اند. در واقع کشمکش ها و منازعات اجتماعی و سیاسی_که همواره ویژگی طبیعی و تا حدی اجتناب ناپذیر حیات اجتماعی بشر بوده است_ سرشت و اشکال متفاوتی دارند. آنها می توانند در قالب های نهادمند به شیوه ای مسالمت آمیز و با نتایجی ثبات آفرین ظاهر شوند و یا به عکس سرشتی تخاصمی، خشونت آمیز، غیر نهادی و بی ثبات کننده به خود بگیرند. هر چه یک حکومت بتواند کشمکش های حاد اجتماعی و سیاسی را کنترل کند و یا در قالب کنش های متعارف و رسمی(نهادینه) جای دهد، به همان میزان به ثبات خود استحکام بخشیده و بقا و دوام



خود را تضمین نموده است. از سوی دیگر، با اینکه هر نظام سیاسی به ثبات و پایداری گرایش دارد، ولی هر نظام پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خویش، درگیر تنش ها و بی ثباتی ها نیز می باشد. مفهوم بی ثباتی را می توان در یک معنای کلی به فقدان قاعده مندی و هماهنگی اجزای یک نظام تعبیر نمود. از نظر ریچارد سون، "بی ثباتی" عبارت از وضعیتی است که تا رسیدن به نقطه ی واژگونی نظام مستمراً تغییر می کند. از نظر یانگ بر حسب ایستایی شناسی، ثبات به معنای تداوم مولفه های اساسی یک نظام (بازیگران، ساختارها و فرایندها) است و بر اساس پویایی شناسی، ثبات تمایل نظام به حرکت در جهت رسیدن به تعادل پس از آشفتگی است. میدلارسکی نیز بی ثباتی را عبارت از تمایل به فروپاشی یک نظام می داند. بی ثباتی سیاسی ناظر به وجود عدم توازن میان تقاضاهای افراد و نیز کارکردهای حکومتی می باشد. رفتارهای اعتراض آمیز علیه حکومت تجلی بیرونی بی ثباتی سیاسی است. بی ثباتی سیاسی به طور ضمنی به تصمیمات و سیاست های حکومت گران و همچنین واکنش های اعتراض آمیز مردم از قبیل تظاهرات خشونت بار، شورش و دیگر کنش های خشونت آمیز اشاره دارد که ساختار نظام سیاسی موجود یا اقتدار حاکم را به چالش فرا می خوانند. در واقع بی ثباتی سیاسی یک عدم قطعیت و تردیدی را در نظام سیاسی و حکومت مستقر به وجود می آورد. همچنین بی ثباتی سیاسی حالتی است که اوضاع اجتماعی-اقتصادی و سیاسی حتی در افق های زمانی کوتاه مدت نیز روشن و پیش بینی پذیر به نظر نمی رسند. در علم سیاست، بی ثباتی را به تکرار وقایع و حوادث بی ثبات کننده و عدم تداوم و پایداری یک نظام تعریف کرده اند. در واقع یک واحد سیاسی در طول یک دوره زمانی معین، هر قدر با تعداد کمتری از تظاهرات و اعتصابات سیاسی، تغییر مکرر کابینه ها، شورش ها، جنگ های چریکی و مرگ



در اثر خشونت سیاسی روبه رو باشد و بتواند ساختار نهادی خاص خویش را حفظ کند، با ثبات تر محسوب می شود. بررسی وضعیت ثبات و بی ثباتی سیاسی یک کشور مستلزم آن است که دوره ی زمانی طولانی مدت شامل چندیندهه مورد مطالعه قرار گیرد. برخی از محققین توجه خود را به وضعیت سیاسی موجود یک کشور معطوف داشته اند و بی ثباتی سیاسی را با عدم قطعیت و نامعلومی اوضاع در آن کشور همسان می پندارند. انتظار تحول در آینده ای نزدیک و نامطمئن در مورد جریان وقایع سیاسی، اساس این نوع برداشت از بی ثباتی است. اگر کنش های بی ثبات کننده بتوانند به طور موفقیت آمیزی حکومت را از کنش بازدارند، به احتمال زیاد رژیم حاکم سرنگون خواهد شد. از این رو، حکومت ها معمولاً در پی طراحی و اجرای سیاست هایی هستند که در بلند مدت موجب پایداری و دوام آنها گشته و بقای آنها را مورد تهدید قرار ندهد. با این حال تجربه ی تاریخی نشان می دهد که تلاش حکومتها در تحقق این هدف هیچ گاه کاملاً مقرون به توفیق نبوده است، به طوری که در هیچ دوره ای از تاریخ حکومتی وجود نداشته که از خشونت سیاسی و ناآرامی اجتماعی (مولفه های اصلی بی ثباتی سیاسی) کاملاً مصون مانده باشد.

بخش اول: تحلیل موضوعی بی ثباتی سیاسی

بی ثباتی سیاسی از عوامل متعددی نشأت می گیرد که یکی از این عوامل منازعه نخبگان سیاسی است. منازعه ی سیاسی بر بی ثباتی سیاسی همان قدر تاثیر دارد که رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی، منتها در جهت معکوس آن. رقابت سیاسی مترادف با نزاع و خشونت سیاسی نیست، بلکه برای گریز از آن صورت گرفته و غایت آن رسیدن به ثبات سیاسی است. برخی از اندیشمندان همانند شوارتزبرگ، رقابت سیاسی را حتی معیار تقسیم بندی نظام های سیاسی می



دانند و آنها را به دو دسته ی نظام های رقابتی و غیر رقابتی تقسیم می کنند. منازعه به معنای رابطه ی اجتماعی که کنش درون آن عملاً در جهت پیشبرد خواست یک فرد علیه مقاومت دیگران باشد، امری طبیعی است. از طرف دیگر، اگر منازعه به معنای رقابت به کار برده شود، عملاً به منازعه ی صلح آمیزی گفته می شود که شامل تلاش صلح آمیز برای کنترل فرصت ها و امتیازات مورد تمایل دیگران است. دیدن معنا، در عرصه سیاست نیز منازعه امری طبیعی و حتی اجتناب ناپذیر است. چنین منازعه ای اهداف و ابزارش معطوف به یک نظام است و صور آشکار و پنهان آن در درون خود آن صورت می گیرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر، منازعه در عرصه ی سیاست همواره میان نخبگان وجود داشته، اما اشکال، دامنه و شدت آن در دوره های مختلف متفاوت بوده است. در باره مطالعاتی که راجع به مسئله ثبات و تاثیر منازعات بر ثبات یا بی ثباتی انجام شده باید گفت که هر یک به نوبه خود بزنگاههایی از تاریخ ایران را انتخاب کرده و کمتر به صورت تطبیقی دو دولت را در جمهوری اسلامی از لحاظ وضعیت ثبات مقایسه کرده باشد. در دوران حیات امام خمینی (ره) با توجه به شرایط پس از پیروزی انقلاب و محوریت و حجیت شخصیت ایشان، نه تنها منازعه نخبگان چندان چشمگیر نبود، بلکه دولت در این دوره برای تامین امنیت و ثبات سیاسی در صدد محدود ساختن فعالیت های سیاسی و به حداقل رساندن منازعه بین نخبگان سیاسی بود. در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، دولت به منظور تامین ثبات سیاسی تلاش می کرد دامنه و شدت منازعات سیاسی را ثابت نگاه دارد، تا بدین وسیله زمینه های رشد و توسعه اقتصادی را به نحوی فراهم نماید. با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی، وضعیت منازعات نخبگان سیاسی نسبت به گذشته تفاوت عمده ای پیدا کرد. دولت جدید، با این فرض



که توسعه سیاسی نیاز اساسی و یا حداقل یکی از نیازهای اساسی جامعه ایران است و گسترش رقابت و حتی منازعه ی سیاسی نه تنها به تضعیف ثبات سیاسی منجر نمی گردد، بلکه به تثبیت و پایداری نظام نیز کمک می کند، کار خود را آغاز نمود. بر این اساس، در این دوره شاهد شکل گیری گروه ها و احزابی هستیم که برای کسب ارزش های مطلوب جامعه و مورد تمایل دیگران با شدت و حدت خاصی در تمام عرصه های جامعه، خصوصاً سیاست، وارد رقابت و منازعه شدند. در این دوره رفته رفته منازعات نخبگان سیاسی را شاهد هستیم که ثبات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سطح حکومت، رژیم و بعضی مواقع جامعه ی سیاسی به چالش می کشاند. قتل های زنجیره ای، وقایع کوی دانشگاه تهران، برکناری اجباری چند وزیر، اعتصابات دانشجویان و معلمان و ... به نحوی جلوه های بارز بی ثباتی سیاسی در این دوره هستند. با روی کار آمدن دولت نهم از همان ابتدا معلوم بود که شاخص های توسعه سیاسی از قبیل توجه به احزاب و ... اصولاً جایی در تفکر دولت عدالت محور ندارد، چرا که دولت نهم نه تنها سیستم تحزب را نمی پسندید بلکه اصولاً تحزب را مانعی برای خدمت رسانی و همچنین ارتباط مستقیم با مردم می دانست. ارتباط مستقیم و بلاواسطه با مردم و اهمیت ندادن به نهادها و ساختارها حتی مجلس چنان منازعه را بین نخبگان سیاسی شکل داد که می توان دوره ۸۴ تا ۹۱ را دوره نزاع ها نام داد. اصرار دولت به کارهایی که مجلس معتقد است مجوز قانونی برای آن صادر نشده، چالش های دولت با دستگاه قضا، ماجراهای تکراری برکناری وزیران و مدیران اجرایی، حوادث انتخابات ۸۸ که به نوعی بی ثبات کننده ترین حادثه ۳ دهه انقلاب بود، ماجرای خانه نشینی رئیس دولت و افزایش اعتراضات نسبت به این اقدام، ورود چند باره رهبری برای حل و فصل نزاع ها، دو بار مطرح شدن طرح سوال از رئیس



جمهور، اصرار دولت به اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها و مخالفت صریح مجلس، وضعیت نابسامان اقتصاد داخلی در پی تحریم ها و به قول نمایندگان مجلس سوء مدیریت دولت، همه و همه حاکی از این امر است که نزاعی بنیادین بین نخبگان سیاسی در این دوره شکل گرفت که بسیاری علت اصلی را عدم توجه دولت به ساز و کارهای قانونی و اقدامات و عملکردهای آن می دانند.

بخش دوم: تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع

حوزه بررسی کتاب حاضر بر محور چند مولفه اساسی شکل گرفته است، بنابراین لازم است با هدف جلوگیری از خلط اجتماعی مفاهیم کلیدی نگرش کلی خود را نسبت به مفاهیم اصلی این کتاب روشن سازیم.

چند محور اصلی این کتاب عبارتند از:

منازعه سیاسی، ثبات سیاسی، چپ سنتی، چپ مدرن، راست سنتی، راست مدرن، توسعه سیاسی، عدالت محوری

حال به بررسی مفهومی هر کدام از این واژه ها می پردازیم:

- **منازعات سیاسی:** رابطه ای مخالفت آمیز و تعارضی میان بازیگرانی است که در صدد کنترل ارزش ها، فرصت ها و امتیازات مورد تمایل یکدیگرند که در صورت تحقق، هم دیگر را از رسیدن به آن فرصت ها و امتیازات باز خواند داشت.

- **ثبات سیاسی:** ثبات سیاسی به معنی عدم انحراف یک نظام سیاسی از هنجار خود است. یعنی هر اندازه نظام سیاسی ای که در معرض تغییر یا چالش قرار گرفته بتواند الگوی



خاص متعارف (هنجار) خود را حفظ کند از ثبات بیشتری برخوردار است و به هر میزان که تغییرات یا چالش‌ها بتوانند الگوی متعارف خاص نظام سیاسی را تغییر دهند این نظام سیاسی بی‌ثبات‌تر از دیگر نظام‌ها یا از خودش نسبت به موقعیت قبلی یا بعدی است.

• **چپ سنتی:** جریان چپ سنتی عبارت است از روحانیون و غیر روحانیون متشکل در مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های همسو با آن از جمله انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها و... اصطلاح جریان چپ بدون قید سنتی یا مدرن آن از هنگامی باب شد که قسمتی از روحانیون جامعه روحانیت مبارز با اعتراض به نحوه برخورد جریان راست و جامعه روحانیت با دولت موسوی هم چنین اعتراض به نحوه انتخاب نامزدهای انتخاباتی لیست تهران در دوره سوم مجلس (سال ۶۶) که قرار بود از سوی جامعه روحانیت به مردم معرفی شود خواهان جدایی از جامعه روحانیت شدند که امام (ره) بلافاصله با این تقاضای انشعاب موافقت کرد. جریان چپ نیز طرفدار اقتصاد دولتی و حمایت دولت با سوبسید از اقشار کم‌درآمد جامعه بود و اقتصاد بازار آزاد را برای کشور مضر و خطرناک می‌شمرد.

• **راست مدرن:** این جریان به حزب کارگزاران سازندگی و روزنامه نگاران و جریان روشنفکری متمایل به این حزب گفته می‌شود این جریان سیاسی هنگامی ایجاد شد که جریان راست سنتی (موتلفه و جامعه روحانیت مبارز) از پذیرش عده‌ای از همکاران سیاسی و اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی در لیست خود امتناع کرد. به هر حال با عدم پذیرش همکاران رئیس‌جمهور در لیست حوزه انتخاباتی تهران آنها خود دست به کار شدند و رأساً برای حضور در انتخابات آماره شدند این گروه ۱۶ نفره که جملگی از وزراء یا معاونین رئیس‌جمهور بودند در اواخر دی ماه ۷۴ با انتشار بیانیه‌ای اعلام موجودیت کردند.



• **راست سنتی:** جریان راست مدرن آزاد سازی اقتصاد به شدت سنتی کشور را علاج مشکلات کشور می دانست و حامی منافع صنایع خصوصی کوچک و بزرگ کشور بود و حتی تحول در بازار و بخش خدمات را در تیر رس خود قرار داده بود.

• **چپ مدرن:** جریان چپ مدرن مولد دوم خرداد ۷۶ بوده و متشکل از نیروهای سیاسی ناشناخته ای بود که تا قبل از دوم خرداد ۷۶ در نهادهای دولتی وابسته به جریان چپ سنتی مشغول به کار بودند. غالب نیروهای سیاسی این جریان سوابقی در رده های میانی مدیریت دولتی داشته و در ارتباط نزدیک با سایر نیروهای شاخص و برجسته جریان چپ سنتی نداشت اما رفته رفته از جریان چپ سنتی فاصله گرفت و اهداف و سیاست های خود را مستقل از چپ سنتی پیگیری نمود. چپ مدرن در این راستا شعارهای جدیدی را مطرح ساخت از جمله آزادی خواهی، توسعه سیاسی، تضمین آزادی های مدنی، جامعه ی مدنی، آزادی مطبوعات و اصلاحات که هیچ گاه از سوی جریان چپ سنتی مطرح نشده بود. از طرفی این جریان نسبت به دیگر نیروهای سیاسی از جمله نیروهای ملی مذهبی دیدگاه مثبت تری داشت.

• **توسعه سیاسی:** منظور از توسعه سیاسی برنامه ها و اقداماتی که توسط دولت محمد خاتمی به منظور باز کردن فضای سیاسی جمهوری اسلامی از قبیل حمایت از جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی، توسعه کمی و کیفی مطبوعات، تاکید بر آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و ... برای تقویت ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران انجام شد. لازم به یاد آوری است که از مفهوم توسعه سیاسی قرائت ها و برداشتهای مختلف حتی ناسازگار با هم ارائه شده است. به طور کلی در این کتاب تعریف و رویکرد بالا مد نظر قرار گرفته است.



• **عدالت محوری:** منظور از عدالت محوری، برنامه ها و عملکردهای دولت نهم که به منظور دستیابی به عدالت اقتصادی و اجتماعی پیگیری شد و در ابعاد اقتصادی (توزیع سهام عدالت، هدفمندی یارانه ها، ایجاد مسکن مهر و ...) و سیاسی (شکستن حلقه های مدیریتی و استفاده از نیروهای گمنام در عرصه های کلان کشور و ...) نمود یافت. به مانند مورد قبل می توان از مفهوم عدالت محوری نیز تفسیر ها و تعریف های مختلفی به عمل آورد ولی در اینجا این مفهوم به صورت کلی کلمه مورد نظر می باشد. هدف گرفتن طبقه ی مستضعف (که آشکارا پایگاه اجتماعی دولت نهم و دهم محسوب می شود) و پیگیری منافع آنها را به نوعی می توان در ذیل مفهوم عدالت محوری جای داد.

